

مبارزه اسلامی در افغانستان سابقه پنجاه و سه ساله دارد، مبارزه‌ای که با دو ابر قدرت اتحاد جماهیر شوروی و ناتو در رأسش آمریکا تصادم کرده است.

از آن دوازده نفر، چند نفر هنوز همراه شما هستند؟

یازده نفر شهید شدند، فقط من از این سعادت محروم ماندم.

در این مسیر پنجاه ساله یا در همان دوران؟

بیشترشان توسط سردار داوود.

در زندان کمونیست‌ها؟

بله. در حدود سیصد نفر بعد از کودتای سردار داوود دستگیر شدند و اکثریت اینها هم به شهادت رسیدند.

شما هم دستگیر شدید؟

نه، من مورد تعقیب بودم و اعدام غیابی برایم صادر و عکس‌هایم در همه افغانستان پخش شده بود، ولی الحمدلله بعد از سه سال ما بر دانشگاه مسلط شدیم. بار آخری در انتخابات محصلان، ما از پنجاه و شش کرسی، دوثلث (سی و هفت) کرسی‌ها را به دست آوردیم. در این زمان من در زندان بودم. تفسیر و حفظ را هم در زندان آغاز کردم، زندان برای من یک مدرسه بود.

چگونه فضای دانشگاه صنعتی برای شما به زندان با تحصیل

علوم دینی و معنوی تبدیل شد؟

یک درگیری بین ما و گروه‌های چپی رخ داد که در این درگیری آنها شکست خوردند.

درگیری مسلحانه و فیزیکی؟

درگیری غیرمسلحانه و بین محصلین در خوابگاه دانشگاه. تهاجم و تعرض هم از سوی آنها بود و به دنبال آن یک درگیری دیگری هم بین ما و شعله جاوید رخ داد. در این نوبت هم آنها تعرض کردند، ما شکست خوردیم و در نتیجه من به زندان رفتم. یک و نیم سال را در زندان سپری کردم. در زمان داوود رها شدم ولی متهم به کودتا علیه رژیم متصل تحت تعقیب قرار گرفتم.

زندان هم نتوانست این جریان و طوفان شما را متوقف کند.

نه تنها نتوانست متوقف کند بلکه نقش خیلی مهمی هم در مبارزه ما داشت؛ بلکه به دلیل رفتن ما به زندان جوانان بیشتری به حرکت پیوستند، چراکه هیچ کمونیست و فعال سیاسی دیگری در زندان نبود، جز اعضای حرکت جوانان مسلمان. خودش به این حرکت اعتبار داد و باعث شد در ظرف سه سال نه تنها بر دانشگاه مسلط شدیم، بلکه تقریباً بر همه مؤسسات علمی کشور، از جمله